

# پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۲

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال دوم

۵

• بستری‌های بروز ابزار گرایبی کیفری

محمدجعفر حبیب‌زاده، حامد رحمانیان

۲۵

• اجرا و شناسایی آثار احکام دادگاه‌های کیفری بیگانه در قلمروی ایران

علی خالقی - مانده میرشمس شهشهانی

۴۳

• تهدید به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه

سیدقاسم زمانی

۶۹

• مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در عرصه داخلی

قاسم محمدی - علیرضا خانی‌زاده

۸۵

• جرایم دخالت در اموال تاجر ورشکسته؛ آثار کیفری و حقوقی

حسین سیمایی صراف - محمد خلیل صالحی

۱۱۱

• نقش عرف در تحلیل مولفه روانی جرم و عوامل زوال مسؤولیت کیفری

محسن برهانی - عطیه پارسایان





[http://jclc.sdil.ac.ir/article\\_43072.html](http://jclc.sdil.ac.ir/article_43072.html)

## تهدید به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه

سیدقاسم زمانی\*

### چکیده:

دیوان کیفری بین‌المللی فرزند بیم و امید است، امید به تحقق رؤیای عدالت کیفری که سال‌ها در سایه روشن ترس و تردید بی‌سرانجام مانده بود و بیم از آینده مبهمی که پیش روی داشته و دارد. از ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی که اساسنامه این دیوان لازم‌الاجرا گردید و سال بعد که دیوان ایجاد گردید، تاکنون بیم و امید هر لحظه بر عملکرد و آینده دیوان سایه‌ای مستدام داشته است. از آنجا که برای نخستین بار مرجعی دائمی برای رسیدگی به جدی‌ترین جنایات بین‌المللی شکل گرفته، در پردازش اساسنامه دیوان تلاش زیادی صرف در نظر گرفتن مواضع ناهمگون دولت‌ها شده تا حتی المقدور اساسنامه با اقبال بیشتری مواجه شود، با این حال، اکنون که اندک زمانی از یک دهه از عمر این نهاد نوپا می‌گذرد و قدری زود است که کارنامه دیوان مورد قضاوت صحیح قرار گیرد، رفته‌رفته از خلال رسیدگی دیوان به برخی قضایا، مواضع دولت‌ها نسبت به دیوان قابل توجه و محل تأمل گشته است. اخیراً مواضع و اقدامات دولت‌های آفریقایی و به تبع آن اتحادیه آفریقا و زمزمه‌هایی مبنی بر عدم همکاری، تهدید به خروج از اساسنامه دیوان و متعاقب آن توسعه صلاحیت سایر مراجع قضایی یا حتی تأسیس یک مرجع کیفری مستقل، از جمله مواضعی است که می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف دیوان و چه بسا صعوبت تحقق عدالت کیفری در جامعه بین‌المللی شود.

### کلیدواژه‌ها:

دیوان کیفری بین‌المللی، اتحادیه آفریقا، دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دیوان کیفری رواندا، عدالت کیفری، همکاری، شورای امنیت.

## مقدمه

پس از تشکیل دیوان‌های کیفری نورنبرگ و توکیو از طرف فاتحان جنگ جهانی دوم برای مجازات برخی جنایات بین‌المللی ارتكابی، تا مدت‌ها اراده سیاسی مقتدر و مؤثری برای مجازات عاملان جرایم بین‌المللی در جامعه جهانی وجود نداشت تا اینکه در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی درگیری‌های موجود در یوگسلاوی سابق و رواندا به شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق<sup>۱</sup> و رواندا بر اساس اختیارات شورای امنیت ملل متحد مطابق با فصل هفتم منشور منجر شد.<sup>۲</sup> هر چند مراجع کیفری فوق جملگی موقتی و اختصاصی محسوب می‌شدند، ولی در هر حال، در هموار کردن مسیر مجازات عاملان جنایات بین‌المللی نقش قابل توجهی ایفا کردند.

این روند که با فروکش کردن شعله‌های جنگ سرد مقارن گشته بود، باعث گردید تا اساسنامه دیوان توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل آماده شده و در هفدهم ژوئیه سال ۱۹۹۸ در شهر رم به امضای ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس رسیده و پس از الحاق حداقل تعداد لازم از دولت‌ها به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، اساسنامه از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده و پس از گذشت یک سال، کار خود را رسماً آغاز نماید.<sup>۳</sup> تا اوت ۲۰۱۴ تعداد ۱۳۹ دولت اساسنامه دیوان را امضا و تعداد ۱۲۲ دولت به عضویت اساسنامه دیوان درآمده‌اند.

دیوان کیفری بین‌المللی، همانند سایر مراجع کیفری بین‌المللی صرفاً صالح به رسیدگی به جنایاتی است که در اساسنامه مقرر شده است.<sup>۴</sup> با اینکه تحقق عدالت کیفری در مفهوم واقعی آن به‌ویژه برای قربانیان جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، ژنوسید و تجاوز، در عمل منحصرأ به رسیدگی دیوان خلاصه نمی‌شود،<sup>۵</sup> اما دیوان به‌عنوان نهادی دائمی مأموریتی بس مهم در این زمینه دارد. با این حال باید در نظر داشت که دیوان، به تنهایی قادر به تحقق رؤیای عدالت کیفری در جامعه بین‌المللی نیست. برخی دولت‌ها در بدو امر از امضای اساسنامه دیوان امتناع کرده‌اند، برخی دیگر مثل آمریکا در میانه راه امضای خویش را پس گرفته‌اند، گروهی از دولت‌ها صرفاً اساسنامه را امضا نموده، اما تصویب نکرده‌اند و دسته‌ای

1. SC Res 827, UN SCOR, 3217th meeting, UN Doc S/RES/827 (25 May 1993).

2. SC Res 955, UN SCOR, 3453rd mtg, UN Doc S/RES/955 (8 November 1994).

3. [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/about%20the%20court/Pages/about%20the%20court.aspx\(last visited 9/3/2014\)](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/about%20the%20court/Pages/about%20the%20court.aspx(last%20visited%209/3/2014)).

۴. البته رسیدگی به جنایت تجاوز توسط دیوان کیفری بین‌المللی فعلاً تا سال ۲۰۱۷ متوقف مانده است. برای مطالعه بیشتر نک: زینب پورخاقان، «بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۷ (۱۳۸۹)، ۵۴۳-۵۲۷.

5. William Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, 3rd ed, Cambridge: Cambridge University Press, 2007, xi.

دیگر نیز حتی با انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه فیما بین مانع از اعمال صلاحیت دیوان به رسیدگی به جنایات بین‌المللی توسط اتباع‌شان شده‌اند. عدم همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی برای تحقق عدالت کیفری از این هم فراتر رفته است. برخی دولت‌ها یا از همکاری لازم در زمینه تعقیب و مجازات عاملان جنایات بین‌المللی با دیوان طفره می‌روند،<sup>۱</sup> و یا از تعقیب و مجازات بانیان این اقدامات ناخرسندند.

در این میان قاره سیاه (آفریقا) که درد بردگی، استعمار و عقب‌ماندگی، قحطی و خشکسالی، فقر و درماندگی را طی قرن‌ها و با تمام وجود لمس کرده، در بیست سال اخیر شاهد دهشتناک‌ترین و در عین حال گسترده‌ترین جنایات بین‌المللی بوده است. بر همین اساس عجیب نیست که تمام ۲۱ پرونده‌ای که در قالب هشت وضعیت در حال حاضر در دیوان کیفری بین‌المللی در حال رسیدگی است؛ مربوط به جنایات ارتكابی در آفریقا باشد.<sup>۲</sup> همچنین طبیعی است که اولین حکم صادره دیوان نیز در مورد آفریقا باشد، یعنی جرم سر بازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه که در محکومیت توماس لوبانگا فرمانده شبه‌نظامیان کنگو در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ صادر گردید.<sup>۳</sup> با این حال دولت‌های آفریقایی که وضعیت‌های مطروحه نزد دیوان کیفری بین‌المللی را عملاً محدود به قاره سیاه یافته‌اند و برای همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی جهت دستگیری و تحویل متهمان تحت تعقیب دیوان و به‌ویژه حسن عمرالبشیر رییس‌جمهور سودان تحت فشار قرار دارند،<sup>۴</sup> تردیدهایی جدی نسبت به استقلال و بی‌طرفی دیوان مطرح ساخته‌اند. کشورهای آفریقایی و جامعه مدنی آفریقا که نقش قابل توجهی در حمایت از دیوان در زمان شکل‌گیری داشتند،<sup>۵</sup> اینک با چرخشی

۱. در این خصوص می‌توان به اقدام برخی دولت‌ها در زمینه اجازه سفر برخی متهمین تحت تعقیب توسط دیوان به قلمرو سرزمینی‌شان اشاره کرد. در این خصوص نک: سیدقاسم زمانی، «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمرالبشیر»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۴ (۱۳۸۷)، ۱۳-۴۷.

۲. گفتنی است که دولت‌های اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی و مالی رأساً چهار وضعیت را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده‌اند. از چهار وضعیت دیگر، دارفور سودان و لیبی توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شده و وضعیت کنیا و ساحل عاج به ابتکار دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در محضر دیوان طرح و تحت تعقیب قرار گرفته است. این آمار نشان می‌دهد که در نیمی از وضعیت‌های مطرح شده نزد دیوان ابتکار عمل دست خود دولت‌های آفریقایی بوده است. ۳. برای مطالعه بیشتر نک: زکیه تقی‌زاده و فاطمه هداوندی، «مقابله با بحران سر بازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه: نخستین رأی دیوان کیفری بین‌المللی در ترازوی حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۲ (۱۳۹۱)، ۱۸۷-۲۲۴.

۴. شعبه مقدماتی اول دیوان بین‌المللی کیفری طی تصمیماتی در ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ عدم همکاری با دیوان را به عنوان اقدام ناقض تعهد کشورهای مالای و چاد، به عنوان اعضای دیوان به شورای امنیت سازمان ملل متحد و مجمع عمومی دولت‌های عضو دیوان ارجاع نمود. علاوه بر این در پی بازدید ۱۶ فوریه ۲۰۱۳ عمرالبشیر رییس‌جمهور سودان از چاد، شعبه پیش‌رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری در ۳ آوریل ۲۰۱۳، طی تصمیمی موضوع عدم همکاری دولت چاد با دیوان در بازداشت عمرالبشیر را به شورای امنیت و مجمع دولت‌های عضو دیوان ارجاع داد. همچنین شعبه دوم پیش‌رسیدگی در ۹ آوریل ۲۰۱۴ موضوع عدم همکاری جمهوری دموکراتیک کنگو با دیوان در بازداشت البشیر به رغم صدور دو قرار بازداشت و همچنین تصمیم دیوان پیش از سفر البشیر به کنگو را به شورای امنیت و مجمع دولت‌های عضو اساسنامه رُم گزارش داد.

5. United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International

عجیب تا آنجا پیش رفته‌اند که اتحادیه آفریقا همکاری خود در زمینه دستگیری عمرالبشیر را متوقف کرد و زمزمه‌هایی مبنی بر سیاسی‌کاری دیوان را مطرح نموده یا مدعی تبانی و توطئه‌چینی علیه آفریقا شده‌اند.<sup>۱</sup> در این میان رییس‌جمهور کنیا اهورا کنیاتا که به اتهام ارتکاب جنایات علیه بشریت، خود و معاون وی ویلیام رونو تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارند؛ اعلام داشت: برای مردم آفریقا چه لذتی بالاتر از اینکه به مرجعی بین‌المللی برای حکومت عدالت در میان‌شان پناه برند؟<sup>۲</sup> اما افسوس! که دیوان کیفری بین‌المللی، اینک بازیچه قدرت‌های بزرگ شده و به آن اعتمادی نیست...<sup>۳</sup> در بخش نخست این مقاله تعامل و مواجهه آفریقا با دیوان و در بخش بعد چالش‌های مطرح را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

### بند یکم - سابقه روابط دولت‌های آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی

پیش از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در آفریقا، این قاره مجازات کیفری جنایات بین‌المللی را با تأسیس و رسیدگی دو دادگاه کیفری بین‌المللی تجربه کرده بود. این مراجع عبارت بودند از دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و دادگاه کیفری سیرالئون.

البته باید توجه داشت که مرجع نخست متعاقب جنایاتی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در رواندا ارتکاب یافت و متعاقب درخواست شورای امنیت ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور شکل گرفت و هر چند در نوع خود از حیث امکان تأسیس مسأله برانگیز می‌نمود، اما به‌زعم بسیاری رویه قابل قبولی از خود بجای گذاشت و زمینه قابل قبولی برای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی مهیا کرد. با این حال، دادگاه ویژه سیرالئون بنا به درخواست دولت سیرالئون و با همکاری ملل متحد ایجاد گردید، بنابراین از حیث ماهیت و ساختار، این دادگاه متفاوت از دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و در اصل جزء محاکم کیفری مختلط تلقی می‌شود.<sup>۳</sup>

Criminal Court, Summary Record of the 6th Plenary Meeting, UN Doc A/CONF.183/SR.6 (20 November 1998) 104 [116]. See also Kristie Barrow, 'The Role of NGOs in the Establishment of the International Criminal Court' (2004) 2(1) Dialogue 11 available at <http://www.polsis.uq.edu.au/dialogue/vol-2-1-4.pdf> (last visited 20/2/2014).

1. David Hoile, 'Is the ICC Fit for Purpose', New African (London) March 2012, 8; David Hoile, 'Europe, Masters behind the ICC', New African (London) March 2012, 14. For a survey of the claims and counterclaims: see Mary Kimani, 'Pursuit of Justice or Western Plot?', Africa Renewal (online) October 2009 available at <http://www.un.org/africarenewal/magazine/october-2009/pursuit-justice-or-western-plot> (last visited 12/2/2014).

2. President Uhuru Kenyatta of Kenya, available at <http://www.thetelegram.com/Opinion/Columnists/2013-10-19/article-3433275/The-African-Union-and-the-International-Criminal-Court/1> (last visited 20/4/2014)

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت و ساختار این دیوان نک: مهدیه ملک الکتاب خیابانی، نقش دادگاه ویژه سیرالئون در مبارزه با بی‌کیفری» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹): ۸۹-۹۹.



تأسیس این مراجع کیفری در آفریقا، خود نشان از ضرورت مقابله با جنایات بین‌المللی است که در قاره سیاه ارتکاب یافته و سرنوشت مردم این قاره را به رنگ پوست‌شان درآورده است. از ابتدای فرایند تنظیم اساسنامه و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، دولت‌های آفریقایی نقش کلیدی و قابل توجهی در این فرایند داشته‌اند. این نقش پُر رنگ دولت‌های آفریقایی در تدوین اساسنامه با درخواست ۱۴ دولت از جامعه توسعه آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۷ مبنی بر درج ۱۰ اصل مورد نظرشان در اساسنامه دیوان کاملاً مشهود است.<sup>۱</sup> پیش از تشکیل دیوان، در فوریه ۱۹۹۸ نمایندگان ۲۵ دولت آفریقایی که در سنگال با یکدیگر دیدار کردند، قویاً اظهار تمایل خود بر تشکیل یک مرجع کیفری بین‌المللی مستقل بر اساس اعلامیه داکار را اعلام نمودند<sup>۲</sup> و از ۵۳ کشور آفریقایی، ۴۷ کشور در کنفرانس رُم شرکت کردند. علاوه بر مشارکت فعال در کنفرانس رُم، این کشورها تأثیر بسزایی در لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان داشته‌اند.<sup>۳</sup> حتی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها نیز تعهد خود به

1. Khiphusizi Josiah Jele, 'The Permanent Mission of South Africa to the United Nations' (Speech delivered at the Sixth Committee of the 52nd General Assembly, New York, 21 October 1997).

2. Coalition for the International Criminal Court, 'Dakar Declaration for the Establishment of the International Criminal Court in 1998' (Declaration, 2 February 1998) <<http://www.iccnw.org/documents/DakarDeclarationFeb98Eng.pdf>>. Furthermore, the first Organization of African Unity ('OAU') Ministerial Conference on Human Rights in Africa, meeting on 16 April 1999 in Grand Bay, Mauritius, resulted in 'The Grand Bay Declaration and Plan of Action', which called on all African states to ratify the Rome Statute: African Commission on Human and Peoples' Rights, 'Grand Bay (Mauritius) Declaration and Plan of Action' (Declaration, April 1999).

در اعلامیه داکار به صراحت اعلام شد که سیستم‌های حقوقی ملی از محاکمه و مجازات عاملان وخیم‌ترین جنایات بین‌المللی عاجزند و مقرر شد تا تصمیم نهایی در خصوص تشکیل دیوان در کنفرانس رُم اتخاذ گردد.

3. Implementation of the Rome Statute of the International Criminal Court Act 2002 (South Africa); Draft Legislation — Implementation of the Statute of the International Criminal Court (Democratic Republic of Congo); The International Criminal Court Bill (Uganda) Act No. 18 of 2006, 17 November 2006; International Crimes Act 2008 (Kenya); Détermination des Compétences et de la Procédure de Mise en Oeuvre du Statute de Rome relative à la Court Pénale Internationale par les Jurisdictions Burkinabè [Law 052-2009/AN of 3 December 2009 relating to the Determination of the Competence and Procedure in Implementing the Rome Statute of the International Criminal Court by the Courts of Burkina Faso] (Burkina Faso), Decree No 2009-894/PRES, 3 December 2009. Senegal has declared that the jurisdiction of the ICC applies in its country — being a monist state, it does not need an enabling Act; Botswana is in the process of drafting legislation to domestically implement the Rome Statute. The Southern African Development Community ('SADC') held a Workshop on Ratification of the Rome Statute of the International Criminal Court in Pretoria on 5–9 July 1999, where a Model Enabling Act was adopted to assist SADC countries to put the relevant legislation in place: South African Development Community Workshop on Ratification of the Rome Statute of the International Criminal Court, 'ICC Ratification Kit — Model Enabling Act' (South African Development Community, 1999), reproduced in Sivu Maqungo, 'The Establishment of the International Criminal Court: SADC's Participation in the Negotiations' (2000) 9(1) African Security Review 42. For a more comprehensive list of the domestic enactment of the Rome Statute in African countries, see Lee Stone and Max du Plessis, 'The Implementation of the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC) in African Countries' (Report, Institute for Security Studies, 1 March 2008) <<http://www.issafrica.org/cdromestatute/pages/document.pdf>>.

بر اساس ماده ۱۲۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای لازم‌الاجرا شدن اساسنامه تصویب ۶۰ کشور لازم است که در زمان

رعایت و همکاری با دیوان را به اثبات رسانده و گام‌های مثبتی در راستای اجرای تعهدات اساسنامه رُم در قوانین ملی دولت‌های عضو برداشته است.<sup>۱</sup>

همکاری با دیوان در قلمرو آفریقا منحصر به دولت‌های عضو نیست. جامعه مدنی آفریقا نیز نقش قابل توجه و پُررنگی هم در تصویب اساسنامه و هم در اجرای تعهدات آن ایفا نموده‌اند.<sup>۲</sup> مشارکت کمیسیون در دیوان به‌عنوان یاور دادگاه، نیز در جمع‌آوری ادله و شواهد لازم نشانگر نقش مثبت و مبتنی بر همکاری سازمان‌های غیردولتی آفریقا با دیوان است.<sup>۳</sup>

### بند دوم - مواضع اخیر قاره سیاه نسبت به دیوان کیفری بین‌المللی

ناخرسندی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی، بر سه ادعا استوار است: نخست، کارنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حکایت از آن دارد که این مرجع، فقط با تمرکز بر وضعیت آفریقا و جنایات ارتكابی در این قلمرو جغرافیایی و با اتخاذ موضعی امپریالیستی نسبت به دولت‌های آفریقایی، بجای تلاش برای اجرای عدالت کیفری، در حال رسیدگی به جنایات ارتكابی در این قلمرو جغرافیایی است. دومین ادعای دولت‌های آفریقایی نیز بر این مبتنی است که رسیدگی به جنایات ارتكابی از سوی مقامات و سران دولت‌های آفریقایی به جهت مصونیت شغلی آنها، ممکن نیست و این امر با مصونیت سران این دولت‌ها مابین دارد و در نهایت اینکه اقداماتی که دیوان به ظاهر در راستای اعمال عدالت کیفری انجام می‌دهد در حقیقت با تحقق صلح و امنیت بین‌المللی منافات دارد.

لازم‌الاجرا شدن این سند ۲۰ سند تصویب (یعنی یک سوم اسناد تصویب)، متعلق به کشورهای آفریقایی بوده است.  
 ۱. برای مثال در سال ۲۰۰۵ کمیسیون با اتخاذ قطعنامه‌ای از دولت‌های عضو خواست تا گام‌های مؤثری را در اجرای تعهدات مندرج در اساسنامه رم بردارند. نک:

Executive Council, Report of the African Commission on Human and Peoples' Rights, 8th sess, AU Doc Ex.CL/236(VIII) Rev.1 (16-21 January 2006) annex III ('Resolutions Adopted during the 38th Ordinary Session) 42 (Resolution 87 of the 38th Ordinary Session of the African Commission on Human and Peoples' Rights: Resolution on Ending Impunity in Africa and on the Domestication and Implementation of the Rome Statute of the International Criminal Court) available at <http://www.achpr.org/sessions/38th/resolutions/87/> (last visited 2/2/2014).

2. Pace William R and Thieroff Mark, 'Participation of Non-Governmental Organizations' in Roy S Lee (ed), The International Criminal Court: The Making of the Rome Statute — Issues, Negotiations, Results, Kluwer Law International, 1999, 391, pp. 392-8.

برای مثال در نشست رسمی چهل و یکمین اجلاس کمیسیون در سال ۲۰۰۷، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی از دولت سودان خواستند تا متهمان اقدامات فجیع دارفور را که دیوان برایشان قرار جلب صادر نموده بود، دستگیر نماید. نک:

Foster Hannah, 'NGO Statement at Official Opening of the 41st Ordinary Session of the African Commission on Human and Peoples' Rights' (Speech delivered at the 41st Ordinary Session of the African Commission on Human and Peoples' Rights, Accra, 16 May 2007).

3. See International Criminal Court, The Judges, available at [http://www.iccpi.int/en\\_menus/icc/structure%20of%20the%20court/chambers/the%20judges/Pages/the%20judges%20%20%20biographical%20notes.aspx](http://www.iccpi.int/en_menus/icc/structure%20of%20the%20court/chambers/the%20judges/Pages/the%20judges%20%20%20biographical%20notes.aspx). (last visited 3/2/2014).

**یکم - اتخاذ مواضع امپریالیستی توسط دیوان در رسیدگی به جنایات بین‌المللی**

از سال ۲۰۰۲ میلادی که سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا تبدیل شد،<sup>۱</sup> این نهاد نوپا همواره کوشیده تا از حیث بین‌المللی برای خود اعتبار و وجهه قابل ملاحظه‌ای در جامعه بین‌المللی فراهم سازد.<sup>۲</sup> اتحادیه آفریقا که دورنمایی مشابه اتحادیه اروپا را برای خود ترسیم کرده است همواره بر شخصیت بین‌المللی خویش در صحنه بین‌المللی تأکید داشته و مدعی تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی در قلمرو آفریقا بوده است.<sup>۳</sup> پشتیبانی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی، امضای اساسنامه، درخواست از دیوان برای رسیدگی به برخی جنایات‌های ارتكابی در این منطقه و همکاری با دیوان خود مبین خواست و اراده آفریقا در مجازات جنایتکاران بین‌المللی است. با این حال، در حال حاضر، عمده‌ترین تردید و ناخرسندی دولت‌های آفریقایی از دیوان، تمرکز صرف دیوان بر قلمرو قاره آفریقا است. این امر نیز عمدتاً ناشی از اقدام دیوان در خصوص رسیدگی به جنایاتی است که در این قلمرو صورت می‌گیرد. البته در عمل، ادعای این دولت‌ها قابل پذیرش است. از هشت وضعیت و بیست‌ویک پرونده‌ای که در دیوان در حال رسیدگی است، تمامی موارد به جنایاتی منحصر می‌شود که در قلمرو آفریقا رخ داده است. همین امر خود موجب طرح شبهه‌هایی در مورد موضع دیوان نسبت به قاره آفریقا شده است. برای مثال، ژان پینگ، رئیس سابق کمیسیون سازمان وحدت آفریقا با مغرضانه خواندن اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی، مدعی است موضع آفریقا در مقابل دیوان نیست، بلکه این موضع دیوان است که صرفاً بر محاکمه آفریقایی‌ها مبتنی است.<sup>۴</sup> نباید از یاد برد از میان هشت وضعیتی که تا به حال در دستور کار دیوان قرار گرفته، چهار مورد به درخواست خود دولت‌های آفریقایی در محضر دیوان مطرح شده است. جمهوری دموکراتیک کنگو،<sup>۵</sup> اوگاندا،<sup>۶</sup> جمهوری آفریقای مرکزی<sup>۷</sup> و مالی، خود

۱. سازمان وحدت آفریقا (Organization of African Union) با هدف ارتقای صلح، اتحاد و همکاری بین کشورهای آفریقایی در تاریخ ۲۵ ماه می سال ۱۹۶۳ میلادی در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی تأسیس شد و از سال ۲۰۰۲ به بعد اتحادیه آفریقا (African Union) جانشین آن شد. برای مطالعه بیشتر در خصوص اتحادیه آفریقا و سلف آن نک: حسین طالبی صالحانی، «قاره آفریقا: از سازمان وحدت آفریقا تا اتحادیه آفریقا»، مطالعات آفریقا ۴ (۱۳۸۰)، ۱۱۹-۱۴۸.

۲. همان، ۱۴۶.

۳. در بند چهارم ماده ۳ اساسنامه سازمان نیز به این اشاره شده است.

4. Arieff Alexis et al, 'International Criminal Court Cases in Africa: Status and Policy Issues' (Report, Congressional Research Service, 22 July 2011), [http://www.liberation.fr/monde/2009/07/30/nous-sommes-faibles-alors-on-nous-juge-et-on-nous-punit\\_573310](http://www.liberation.fr/monde/2009/07/30/nous-sommes-faibles-alors-on-nous-juge-et-on-nous-punit_573310) (Congressional Research Service trans), (last visited 12/5/2014).

5. Prosecutor v Katanga (Decision on the Joinder of the Cases against Katanga and Chui) (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber I, Case No ICC-01/04-01/07, 10 March 2008).

6. Situation in Uganda (Warrant of Arrest for Vincent Otti) (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber II, Case No ICC-02/04-01/04, 8 July 2005);

7. Prosecutor v Bemba (Warrant of Arrest) (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber III, Case No



بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه از دیوان خواسته‌اند تا جنایات ارتكابی در قلمروشان را مورد بررسی و تحقیق قرار دهد. در دو مورد دیگر در قضایای سودان<sup>۱</sup> و لیبی<sup>۲</sup> نیز رسیدگی با ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه صورت پذیرفته است. بنابراین فقط در مورد کشورهای ساحل عاج<sup>۳</sup> و کنیا<sup>۴</sup> دیوان کیفری بین‌المللی مبتکر شروع تحقیق و تعقیب بوده است.

هر چند مستندات دولت‌های آفریقایی در خصوص رسیدگی دیوان به جنایات بین‌المللی صورت گرفته در قلمرو جغرافیایی قاره آفریقا در عمل با مستندات ارائه شده از سوی این دولت‌ها قابل انطباق است، اما در هر حال، نباید از نظر دور داشت که رسیدگی در دیوان با توجه به مقررات و شرایط مندرج در اساسنامه و آیین دادرسی دیوان صورت می‌پذیرد. به این ترتیب که آغاز رسیدگی در دیوان به یکی از این سه طریق صورت میسر است: شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم به نظر می‌رسد ارتكاب یافته است به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید،<sup>۵</sup> یکی از دولت‌های عضو وضعیتی را که در آن به نظر می‌رسد یک یا چند جرم ارتكاب یافته، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع نماید،<sup>۶</sup> و در نهایت اینکه دادستان راساً بر اساس اطلاعاتی که در مورد جرایم مشمول صلاحیت دیوان به دست می‌آورد؛ تحقیقات را آغاز نماید.<sup>۷</sup> به هر حال، مطابق ماده ۵۳ اساسنامه و مواد ۱۰۷-۱۱۰ آیین دادرسی و ادله دیوان، دادستان می‌تواند به دلیل فقدان مبنای واقعی یا قانونی برای بازداشت یا احضار متهم، یا به دلیل اینکه پرونده به موجب ماده ۱۷ اساسنامه غیرقابل پذیرش است و یا به دلیل اینکه رسیدگی به موضوع به لحاظ تمامی جوانب امر از

ICC-01/05-01/08, 23 May 2008).

1. Prosecutor v Harun (Warrant of Arrest for Harun) (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber I, Case No ICC-02/05-01/07, 27 April 2007);
2. Prosecutor v Gaddafi (Warrant of Arrest for Muammar Gaddafi) (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber I, Case No ICC-01/11-01/11, 27 June 2011).
3. Prosecutor v Simone Gbagbo (Warrant of Arrest) (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber III, Case No ICC-02/11-01/12, 29 February 2012).

۴. در ۳۱ مارس ۲۰۱۰ شعبه دوم پیش‌مقاماتی به دادستان اجازه داد که به ابتکار خویش تحقیق در مورد وضعیت کنیا را آغاز نماید.

۵. مطابق با بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، البته شورای امنیت می‌تواند از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیب امری را به مدت ۱۲ ماه معلق نماید و این درخواست می‌تواند پس از انقضای ۱۲ ماه مجدداً تجدید گردد. به این ترتیب در ماده ۱۶ اساسنامه آمده است: «چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل ۷ منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیب را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد.»

۶. بند الف ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

۷. مواد ۱۳ و ۱۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

جمله اهمیت جرم ارتكابی و منافع قربانی و سن و ناتوانایی متهم و نقش او در ارتكاب جرم ادعایی در راستای تحقق عدالت کیفری نیست، به این نتیجه برسد که دلایل کافی برای تحقیق وجود ندارد.

بنابراین دیوان به‌عنوان یک مرجع مستقل کیفری موظف است تنها بر اساس اساسنامه و با انطباق وضعیت هر قضیه بر مفاد آیین دادرسی خود عمل نماید. بی‌تردید، در هیچ‌یک از موارد ادعایی توسط دولت‌های آفریقایی نمی‌توان مدعی شد که دیوان از حدود صلاحیت خود تجاوز نموده است.

البته در ورای ادعای دولت‌های آفریقایی اعتراض دیگری نیز نهفته است و آن اینکه چرا دیوان کیفری بین‌المللی به جنایات ارتكابی در دیگر مناطق عالم رسیدگی نکرده است. در حقیقت عدم اعمال صلاحیت‌های قضایی دیوان نسبت به جنایات بین‌المللی ارتكابی در دیگر مناطق عالم، اعتراض دولت‌های آفریقایی را برانگیخته است. آیا جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، اُکراین، افغانستان و ... نباید مورد توجه دیوان واقع می‌شد. شاید آفریقا خود را یگانه متهم تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی قلمداد می‌کند و همین امر اعتراض آنها را برانگیخته است. با این حال باید توجه داشت که جدای از وقوع جنایات بین‌المللی مختلف در قاره آفریقا در دو دهه اخیر که بخش قابل توجهی از آن ناشی از درگیری‌ها و منازعات قومی بوده است، شدت و وخامت این جنایات، باعث طرح پرونده‌های مختلفی از آفریقا در دیوان کیفری بین‌المللی شده است. تردیدی نیست که اگر وضعیت‌هایی مثل دارفور سودان و لیبی توسط شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شده است، اما مواردی مثل جنایات ارتكابی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی و به‌ویژه غزه یا جنایات ارتكابی علیه مسلمانان در میانمار از طرف شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نمی‌شود یا حتی پیشنهاد آن نیز در شورای امنیت مطرح نمی‌گردد، این قصوری است که متوجه شورای امنیت است و نه دیوان کیفری بین‌المللی. علاوه بر این طبق اساسنامه ابتکار عمل دادستان در شروع تحقیقات به جرایمی محدود می‌گردد که در قلمرو و یا توسط اتباع کشورهای عضو اساسنامه ارتكاب یافته‌اند و دادستان نمی‌تواند در مورد دولت‌هایی که هنوز عضویت در اساسنامه دیوان را پذیرا نگشته‌اند؛ رأساً به تحقیق بپردازد. از سوی دیگر طبق ماده ۱۵ اساسنامه، دیوان اطلاعات راجع به وقوع جرایم تحت صلاحیت خویش را از هر منبعی دریافت نموده و بررسی‌های لازم را انجام خواهد داد. اکنون دیوان از جمله در حال بررسی مقدماتی اطلاعاتی است که در مورد افغانستان، کلمبیا، گرجستان، هندوراس، عراق، اُکراین و ... وجود دارد. دفتر دادستانی دیوان مسؤول احراز این امر است که آیا چنین وضعیت‌هایی حایز شرایط مقرر در اساسنامه (ماده ۵۳: صلاحیت، قابلیت استماع) تکمیلی

بودن صلاحیت دیوان - شدت جرم) و اقتضای عدالت) برای شروع تحقیقات مقدماتی است. در حقیقت چنانچه دفتر دادستانی دیوان چنین شرایطی را احراز کند، مطرح شدن پرونده‌های مربوط به وضعیت‌های خارج از قاره آفریقا نزد دیوان کاملاً محتمل خواهد بود.

**دوم - ادعای نقض مصونیت شغلی سران عالی‌رتبه آفریقایی توسط دیوان کیفری بین‌المللی**  
دیر زمانی شماری از اشخاص به لحاظ منصب و مقام‌شان در مقابل اعمال و اقدامات خویش غیرقابل تعقیب و مصون از پیگرد و معاف از پاسخگویی قلمداد می‌شدند. به‌رغم تحولات و پیشرفت‌های قابل توجهی که در این زمینه صورت پذیرفته است، هنوز مصونیت قضایی سران و مقامات عالی‌رتبه دولت‌ها در مقابل دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر از صحنه گیتی رخت بر نبسته است. امکان مقابله به مثل در تحدید یا نادیده انگاشتن مصونیت سران و مقامات عالی‌رتبه خارجی توسط دادگاه‌های ملی، روند پیشرفت مقابله با پدیده بی‌کیفری سران و مقامات خارجی را بطیء و آرام نموده و آن را تا حدی تابع ملاحظات قدرت و سیاست نموده است.<sup>۱</sup>

اما در صحنه حقوق بین‌الملل اصل حاکمیت، استقلال و برابری دولت‌ها نتوانسته مصونیت سران و مقامات عالی‌رتبه دولت در مقابل دادگاه‌های بین‌المللی را مشابه دادگاه‌های ملی به ارمغان آورد. تشکیل دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو در رسیدگی به جرایم بین‌المللی ارتكابی در جنگ جهانی دوم و نیز ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی و نیز دادگاه‌های مختلط از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد حکایت از آن دارد که در حیطه حراست از نظم عمومی بین‌المللی و محاکمه و مجازات مرتکبان جرایم بین‌المللی، موقعیت رسمی متهمان و مصونیت‌های ادعایی هیچ تأثیری بر تعقیب، محاکمه و مجازات آنها نخواهد داشت.

ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به بیان اصل مشهور برابری همه افراد (بدون توجه به سمت رسمی آنها) در قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری و مبارزه با جرایم بین‌المللی پرداخته است. بند اول ماده ۲۷ در این مورد اشعار می‌دارد که «اساسنامه نسبت به همه افراد

۱. البته گفتنی است که در دو دهه اخیر روند مبارزه دادگاه‌های ملی با پدیده بی‌کیفری جرایم بین‌المللی پیشرفتی قابل اعتنایی داشته است. با وجود اینکه رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی کنگو علیه بلژیک مصونیت سران دولت و وزرای امور خارجه در مقابل دادگاه‌های داخلی را حتی در حوزه ارتكاب جرایم بین‌المللی مطلق شناخت. (ICJ Reports, 2002, paras. 56-58) اما فرایند پذیرش عمومی اصل صلاحیت جهانی توسط مراجع تقنینی و قضایی ملی همچنان ادامه یافته است. با وجود این نکته قابل تأمل آن است که هنوز اصل صلاحیت جهانی نتوانسته است تعقیب موفقیت‌آمیز سران یک دولت توسط دادگاه داخلی دولت دیگر را به ارمغان آورد، مگر آنکه مقامات مذکور دیگر در رأس قدرت نبوده‌اند. این امر خود نشان دهنده تأثیر ملاحظات سیاسی بر اعمال اقتدارات قضایی است. برای مطالعه بیشتر نک: سیدقاسم زمانی و هاله حسینی‌اکبرنژاد. «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۷ (۱۳۸۸)، ۱۱۵-۱۵۸.

بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به طور مشخص، سمت رسمی رییس دولت، عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچ‌وجه شخص مزبور را از مسؤولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد، معاف نخواهد کرد. همچنان که سمت‌های مذکور به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود.<sup>۱</sup> بنابراین مقام و موقعیت رسمی متهم نه دلیلی موجه برای رفع مسؤولیت است و نه عاملی منطقی برای کاهش مجازات. بر اساس بند دوم ماده ۲۷ اساسنامه، مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که در حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شود، موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.

به این ترتیب با جمع مواد ۲۷ و بند ۲ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان مدعی شد که کلیه اشخاصی که مرتکب جرایم تحت صلاحیت دیوان در ماده ۵ شوند، صرفنظر از مقام و موقعیت رسمی‌شان محاکمه خواهند شد و به علاوه وجود هرگونه مقام رسمی در مرتکبین مانع از احراز صلاحیت و شروع رسیدگی توسط دیوان حتی به صورت غیابی<sup>۱</sup> نخواهد بود. البته این امر منحصر به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیست<sup>۲</sup>، بلکه محاکمه ملادیچ و کارادزیچ در دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز وضعیتی مشابه داشت<sup>۳</sup> که در هر دو مورد، مقام رسمی افراد مانع از رسیدگی از سوی محکمه کیفری نبود.<sup>۴</sup> بنابراین، در اصل چنین به نظر می‌رسد که هر چند فلسفه پذیرش مصونیت مقامات در قبال محاکم ملی لزوم توجه به اصل برابری حاکمیت‌هاست،<sup>۵</sup> اما در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی دولت‌ها به این توافق رسیده‌اند که مصونیتی برای مقام و موقعیت رسمی افراد سیاسی و دیپلماتیک وجود ندارد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک (رای ۱۴ فوریه ۲۰۰۲) در پاسخ به ادعای دولت کنگو در خصوص مصونیت و تعرض ناپذیری وزیر امور خارجه این کشور اظهار می‌دارد که این مسأله در حقوق بین‌الملل به صورت قطعی احراز شده که همچون نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی، برخی از دارندگان مناصب عالی‌رتبه در یک

1. In absentia

البته فقط مرحله تحقیقات مقدماتی در دیوان به صورت غیابی و به رغم عدم حضور متهم امکان پذیر خواهد بود و محاکمه در دیوان باید با حضور متهم انجام گیرد.

۲. این امر به‌ویژه از آن جهت قابل توجه است که رسیدگی و تحقیق، بدون لزوم رضایت به تحویل متهم آغاز می‌شود و ضرورتی به اعمال ماده ۹۸ اساسنامه نخواهد بود.

۳. جمع مواد ۶۱ و ۱۹۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز متضمن همین امر است. نک: Prosecutor v. Mladic, case no. IT-95-5/18-1; Prosecutor v. Karadzic, case no. IT-95-5/18-1.

4. See [www.un.org/icty/cases-e/index-e.htm](http://www.un.org/icty/cases-e/index-e.htm). (last visited 2/5/2014).

5. Principle of sovereign equality, see Hans Kelsen, Principle of Sovereign Equality of States as a Basis for International Organization, 53 Yale L. J. 207 (1943-1944).

کشور، مانند رییس کشور، رییس دولت و وزیر امور خارجه، در مقابل صلاحیت مدنی و کیفری مراجع کشورهای دیگر از مصونیت برخوردارند. به نظر دیوان گرچه برخی از اسناد معاهده‌ای به وسیله طرفین در این جهت مورد اشاره قرار گرفته‌اند و در مورد بعضی از جنبه‌های مسأله مصونیت‌ها راهنمای مفیدی ارائه می‌دهند (از جمله عهدنامه تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک)، اما مشتمل بر مقرره‌ای نیستند که مشخصاً مصونیت‌های وزیران امور خارجه را تعریف کند. در نتیجه، دیوان باید در مورد مسائل مربوط به مصونیت‌های این وزیران که در قضیه حاضر مطرح است، بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی تصمیم‌گیری کند.<sup>۱</sup> دیوان تأکید می‌نماید که برخورداری وزیران امور خارجه در حال خدمت از مصونیت از صلاحیت به معنای بی‌کیفرمانی<sup>۲</sup> آنها نیست.<sup>۳</sup> مصونیت قضایی ممکن است، تعقیب را برای یک دوره زمانی مشخص یا برای جرایم معینی به درستی مانع شود؛ اما نمی‌تواند شخص را به طور کلی از مسؤولیت کیفری تبرئه نماید. بر این اساس مصونیت‌هایی که طبق حقوق بین‌الملل به وزیر امور خارجه در حال خدمت یا پیشین اعطا می‌شود، در اوضاع و احوال خاص مانع از تعقیب نمی‌شوند. به این ترتیب از نظر دیوان مصونیت فقط مانع از پیگرد قضایی در دوره‌ای معین می‌شود و وزیر امور خارجه پس از اتمام خدمت در این مقام دیگر هیچ‌گونه مصونیتی در مقابل کشورهای دیگر ندارد، از این رو تعقیب و محاکمه در فرض اخیر ممکن است.<sup>۴</sup> چنین به نظر می‌رسد که رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه کاملاً با رویکرد اساسنامه<sup>۵</sup> قابل انطباق است و اعتراض دولت‌های آفریقایی نسبت به دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه تجاهلی بیش نسبت به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل نباشد. تعقیب رهبران کشورهای آفریقایی در دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند تابع قواعدی متفاوت از قواعد عام تثبیت شده در حقوق بین‌الملل باشد.

### سوم - ادعای تناقض میان اعمال عدالت کیفری امر سوی دیوان با تحقق صلح و امنیت بین‌المللی

در خصوص امکان جمع یا تراحم میان عدالت کیفری و صلح و امنیت بین‌المللی هیچ‌گاه در بین حقوقدانان بین‌المللی اتفاق نظر وجود نداشته است.<sup>۵</sup> هر چند عمدتاً آرمانگرایان با استدلال

1. ICJ Reports 2002, Para. 21, see <http://www.icj-cij.org/docket/files/121/8126.pdf> (last visited 6/5/2014).

2. Impunity

3. Ibid., Para. 48.

4. Ibid.

۵. برای مطالعه بیشتر در این خصوص نک:

Majzub Diba, Peace or Justice? Amnesties and the International Criminal Court, Melbourne Journal of international law, 2002, vol.3, pp. 2- 29.



ضرورت اعمال عدالت کیفری، تحقق آن را بر صلح و امنیت بین‌الملل مقدم می‌دانند، عملگرایان با بیان پیش شرط اعمال صلح و امنیت بین‌المللی، اعمال آن را لازمه تحقق عدالت کیفری تلقی می‌کنند.<sup>۱</sup> با این حال، نباید یکسره پنداشت که این دو مفهوم پیوسته در رقابت با یکدیگر بوده و مانع الجمع‌اند. بنابراین، هرچند، به نظر می‌رسد محاکم کیفری بین‌المللی در وهله نخست عهده‌دار عدالت کیفری هستند و در راه تحقق آن گام برمی‌دارند، همان‌گونه که شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده جلیسیک مورد توجه قرار گرفت، یکی از مأموریت‌های چنین محاکمی یاری رساندن به برقراری دوباره صلح در یوگسلاوی سابق است<sup>۲</sup> و از این حیث می‌توان گفت هر دو مفهوم ارتباطی تنگاتنگ و تکمیلی دارند.

دولت‌های آفریقایی در ادامه موضع‌گیری‌های خود نسبت به عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه در مورد سودان و کنیا اقدامات این مرجع را مغایر با تحقق مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی در آفریقا می‌دانند. برای مثال در قضیه صدور قرار جلب عمرالبشیر، این دولت‌ها معتقدند که قرار جلب دیوان با تحقق صلح و امنیت بین‌المللی در سودان مبیّنیت دارد.<sup>۳</sup> ناگفته پیداست که دیوان نهادی قضایی است و باید خویش را از دخالت دادن مسائل سیاسی مثل اقتضای صلح که شائبه عدم استقلال و بی‌طرفی دیوان را به ذهن متبادر می‌سازد؛ دور نگه دارد.

البته در مورد شورای امنیت این موضوع وضعیت دیگری دارد. ایفای مسؤلیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی که به شورای امنیت تفویض شده است؛ می‌تواند شورا را به سوی این نتیجه‌گیری رهنمون شود که ادامه تعقیب «عمرالبشیر» توسط دیوان کیفری بین‌المللی به‌ویژه می‌تواند در راه مذاکرات صلح در منطقه مانع ایجاد کرده و خشونت و درگیری بیشتر در منطقه را وسعت بخشد.<sup>۴</sup> با این حال ناگفته پیداست که هدف شورای امنیت از تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق در مورد دارفور و ارجاع آن بحران به دیوان کیفری بین‌المللی، اتکا به قابلیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با جنایات ارتكابی در دارفور سودان و به کیفر رسیدن جنایتکاران بین‌المللی است. شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ با ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق حرکتی را در مبارزه با واقعیت بی‌کیفری جرایم بین‌المللی آغاز کرده است که متعاقباً با ایجاد دیگر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

۱. زمانی، پیشین، ۴۰-۴۳.

۲. کریانگ کیتی شیابزری، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ۵۱۲.

3. Odero Steve, 'Politics of International Criminal Justice, the ICC's Arrest Warrant for Al Bashir and the African Union's Neo-Colonial Conspirator Thesis' in Chacha Murungu and Japhet Biegion (eds), Prosecuting International Crimes in Africa (Pretoria University Law Press, 2011), p.156.

۴. احتمالاً در مورد اجرای احکام دیوان بین‌المللی دادگستری نیز چنین دیدگاهی وجود داشته است که ماده ۹۴ منشور ملل متحد مقرر داشته است که در صورت عدم پیروی دولت محکوم‌علیه از حکم دیوان، دولت محکوم‌له می‌تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورا ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی بنماید و یا برای اجرا حکم دیوان تصمیماتی اتخاذ نماید.

اختصاصی و نیز دادگاه‌های کیفری مختلط تعقیب شده است.<sup>۱</sup> به هر حال شورای امنیت با وجود فشارهای موجود<sup>۲</sup> در مورد هیچ‌یک از پرونده‌های مطروحه نزد دیوان تاکنون به ماده ۱۶ اساسنامه در تعلیق تعقیب استناد نجسته است و بعید به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نزدیک به‌ویژه میان تمام اعضای دائم شورای امنیت در این مورد اتفاق نظر حاصل آید، مگر آنکه تغییری اساسی در شرایط موجود رخ دهد.

حقیقت آن است که «صلح و امنیت زمانی مستقر و پایدار خواهد ماند که عدالت به‌طور اعم و عدالت کیفری به‌طور اخص برقرار گردد. باید افرادی که به ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی تعرض کرده یا می‌کنند بسزای اعمال خود برسند و مجازات شوند.»<sup>۳</sup> دو مؤلفه «صلح» و «عدالت» که به ترتیب اهداف نهادهایی سیاسی و حقوقی - قضایی محسوب می‌شوند، هر یک در پرتو دیگری معنا می‌یابند،<sup>۴</sup> و ادعای دولت‌های آفریقایی در این مورد نیز از پایه و اساس مستحکمی برخوردار نیست.

۱. گفتنی است که کوفی عنان دبیرکل پیشین سازمان ملل در ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۴ در کیپ‌تاون آفریقای جنوبی از دیوان کیفری بین‌المللی دفاع کرد. دبیرکل پیشین سازمان ملل ضمن محکوم کردن خشونت و تبعیض در قاره آفریقا تصریح کرد: اگر قربانیان حوادث یاد شده می‌توانستند در کشورشان به عدالت دست یابند، دیگر نیازی به دیوان کیفری بین‌المللی نبود. در قاره‌ای که تجربه درگیری‌های خونین، نقض حقوق بشر و حتی نسل‌زدایی دارد، جای تعجب است که می‌شنوم کسانی در انتقاد از وجود دیوان کیفری بین‌المللی می‌گویند که تعقیب عدالت ممکن است مانعی برای رسیدن به صلح باشد. کوفی عنان بیان داشت: می‌خواهم بگویم که دیوان کیفری بین‌المللی بر آفریقا تمرکز نکرده است؛ بلکه قضاوت درباره فرهنگ مصونیت از مجازات و خود افراد برعهده این دیوان قرار دارد. تقابل رهبران کشورهای آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی و رأی آنها علیه این دیوان برای مقامات و کشورهای آنها مایه شرمندگی است. دبیرکل پیشین سازمان ملل اضافه کرد: رهبران این کشورها به دنبال دفاع و حفاظت از خودشان هستند و سخنگوی قربانیان حوادث یاد شده قلمداد نمی‌شوند. وی عدالت و صلح را بدون دیگری ناممکن برشمرد و گفت: ما باید به دنبال رسیدن به هر دو باشیم و عقل سلیم ضمن به رسمیت شناختن یک دستگاه قضایی مستقل، به آن احترام می‌گذارد. نک:

<http://www.citypress.co.za/politics/icc-speaks-victims-kofi-annan-asks/> (last visited 19 August 2014)

۲. باید یادآور شد که از همان ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ که دادستان از دیوان تقاضا نمود که قرار جلب «عمرالبشیر» را صادر نماید. دیوان و شورای امنیت به انحای مختلف تحت فشار قرار گرفتند تا از اجابت خواسته دادستان جلوگیری به عمل آید. گزارش‌های موجود حاکی از آن بودند که «عمرالبشیر» از جامعه عرب و اتحادیه آفریقا درخواست کرده است که شورای امنیت را برای تعلیق تعقیب وی توسط دیوان تحت فشار قرار دهند. برخی گزارش‌ها نیز مبین آن بودند که چین و روسیه دو عضو دائم شورای امنیت با چنین امری موافق هستند. به همین علت در سوم دسامبر ۲۰۰۸ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی از ۱۵ عضو شورای امنیت درخواست نمود که در مقابل تقاضای تعلیق تعقیب «عمرالبشیر» توسط دیوان مقاومت نمایند. نک:

<http://inthumrights.blogspot.com/2008/12/icc-faces-deferral-of-al-bashir.html> (last Visited 24 May 2009)

بازدید عمرالبشیر از کشور چین در ژوئن ۲۰۱۱ (تیرماه ۱۳۹۰) پرسش‌های زیادی را در مورد سیاست متناقض چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد و در حوزه روابط خارجی خویش با دیگر کشورها دامن زد. عدم استفاده از حق وتو توسط دولت چین در مورد قطعنامه شماره ۱۵۹۳ (مصوب ۳۱ مارس ۲۰۰۵) که وضعیت دارفور سودان را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد، این انتظار منطقی را دامن زده بود که کشورهای عضو دائم شورای امنیت به آنچه خود به تصویب رسانده‌اند؛ ملتزم باقی بمانند.

۳. ابراهیم بیگزاده، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، مجله تحقیقات حقوقی ۱۸ (۱۳۷۵)، ۱۴۶.

4. Turner C. f. Catherine, "Delivering Lasting Peace, Democracy and Human Rights in Times of Transition: The Role of International Law", International Journal of Transnational Justice, July 2008, no. 2, pp. 126-151.

### بند سوم - تبعات ناخرسندی آفریقا از دیوان کیفری بین‌المللی

ادعای دولت‌های آفریقایی مبنی بر اتخاذ موضعی امپریالیستی و نادیده گرفتن مصونیت سران عالی‌رتبه آفریقایی، موجب شده تا زمزمه‌هایی مبنی بر عدم همکاری با دیوان یا حتی تهدید به خروج این دولت‌ها از اساسنامه دیوان مطرح شود که به اجمال به این تبعات خواهیم پرداخت.

### یکم - عدم همکاری دولت‌های آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی

همکاری دولت‌ها عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با این مرجع که در مواد ۸۶ و ۸۷ اساسنامه مورد توجه قرار گرفته است با در نظر گرفتن دو عنصر «تعهد دولت‌ها» و «صلاحیت دیوان در ارائه درخواست همکاری» صورت می‌پذیرد.<sup>۱</sup> بر اساس ماده ۸۶ اساسنامه، دولت‌های عضو در انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که به صلاحیت دیوان مربوط است، کمال همکاری را با دیوان به عمل خواهند آورد. این نحوه عبارت‌پردازی که متضمن قاعده «حداکثر همکاری‌های ممکن» با دیوان است، می‌تواند با تنظیم یک موافقتنامه خاص و استقرار یک رژیم همکاری ویژه نیز تکمیل شود.<sup>۲</sup> بر همین اساس، صرف درج ضرورت همکاری با دیوان، بدون ضمانت اجرای مشخص و قابل قبولی از سوی دولت‌های مورد نظر نمی‌تواند کافی به مقصود باشد. این امر به‌ویژه از آن جهت حایز اهمیت برجسته‌ای است که دیوان یک مرجع کیفری بین‌المللی است و اقتضای اعمال عدالت کیفری از سوی این مرجع به‌عنوان کارویژه اصلی، مستلزم وجود ثبات و تکریم قابل ملاحظه دولت‌های عضو است. از همین رو به نظر می‌رسد تعهد عمومی مندرج در ماده ۸۶ اساسنامه مستلزم یک مسؤولیت مشترک در پرتو همکاری کامل با دیوان است.<sup>۳</sup> در حقیقت می‌توان مدعی شد بدون همکاری مناسب و مقتضی از سوی دولت‌ها، دیوان نخواهد توانست به اهداف خویش نایل شود، چراکه شروع رسیدگی کیفری از سوی دیوان که با تحقیق، تعقیب، رسیدگی، جمع‌آوری دلایل و مستندات هر پرونده صورت می‌گیرد، بدون همکاری دولت‌های عضو میسر نخواهد بود.

۱. علیرضا دلخوش، مقابله با جرایم بین‌المللی: تعهد دولت‌ها به همکاری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۰)، ۲۹۹.

۲. منبع پیشین، همان. البته باید توجه داشت که این مقرر بر خلاف مواد ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، مستفاد از بند ۴ ماده ۹۳ و بند اول ماده ۹۹ اساسنامه، متضمن در نظر گرفتن شرایطی از جمله عدم تعارض این قبیل همکاری‌ها با مقررات و امنیت کشورها، عدم خدشه به رسیدگی‌های ملی (ماده ۹۴ اساسنامه) و فقدان اعتراض نسبت به مسأله قابلیت پذیرش موضوع نزد دیوان (ماده ۹۵) است.

۳. پیشین، ۳۰۴.

بنابراین، با وجود اینکه در صورت درخواست دیوان نسبت به همکاری، دولت‌های عضو می‌توانند ضمن بررسی ماهیت درخواست دیوان، در صورت تبعیت از مقررات اساسنامه<sup>۱</sup> و یا تعارض اجرای درخواست با مقررات ملی خود،<sup>۲</sup> اجرای درخواست را تعلیق یا رد نمایند، لکن از آنجا که معمولاً این قبیل درخواست‌ها از طریق کانال‌های دیپلماتیک انجام می‌گیرد، دولت‌های عضو از اجابت چنین درخواست‌هایی استنکاف نمی‌ورزند.

علاوه بر این در مورد سودان و لیبی برخلاف دیگر پرونده‌های مفتوح نزد دیوان کیفری بین‌المللی، رسیدگی به جرایم بین‌المللی ارتكابی بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت و در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد به دیوان ارجاع گردیده است. این قطعنامه‌ها به طور خاص، مقرر داشته‌اند که کلیه دولت‌های درگیر باید به «همکاری کامل» با یکدیگر بپردازند و هرگونه مساعدت لازم برای دیوان و دادستان را در جهت اجرای مؤثر قطعنامه‌ها فراهم آورند. در عمل، دیوان، از طریق ابزارهایی که اساسنامه در اختیارش قرار داده است، در مورد سودان و لیبی دارای همان اقتداری است که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا بر اساس مواد ۲۸ و ۲۹ اساسنامه خود از آن بهره‌مند بوده و هستند.<sup>۳</sup> در این دو مرجع چنین فرض شده که تعهد به همکاری مورد نظر شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد بر سایر تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی دولت‌ها در خصوص مصونیت، «اولویت» دارد.<sup>۴</sup> جمع مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور نیز هرگونه شبهه‌ای را در این زمینه مرتفع می‌نماید.<sup>۵</sup>

### دوم - خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی

مواضع دولت‌های آفریقایی در ناخرسندی از اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی به عدم همکاری ختم نمی‌شود، این ناخشنودی حتی به طرح امکان خروج دولت‌های آفریقایی در صورت تداوم مواضع دیوان یا تهدید به خروج نیز تسری پیدا کرده است. برای نمونه نامه

۱. بند ۲ ماده ۱۹ اساسنامه.

۲. ماده ۹۳ اساسنامه.

۳. این دو مقرر دولت‌ها را «موظف به همکاری با دیوان‌های بین‌المللی، در تعقیب و مجازات اشخاصی که متهم به ارتکاب نقض‌های عمده حقوق بشردوستانه بین‌المللی شده بودند و همچنین به هماهنگی مقتضی با هرگونه درخواست همکاری یا دستور صادره از سوی شعب رسیدگی کننده کرده‌اند...».

4. Krstic C. f. (IT-98-33-A), Appeals Chamber, 1 July 2003, xx 27-28; Decision on Preliminary Motions, Milosovic (IT-02-54), 8 November 2001, xx 26-34; G. Sluiter, "The Surrender of War Criminals to the International Criminal Court", 2003, Loyola of Los Angeles International & Comparative Law Review, vol. 25, p. 632.

۵. بر اساس ماده ۲۵ منشور اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت طبق منشور را پذیرفته و اجرا نمایند. ماده ۱۰۳ منشور نیز اعلام می‌دارد که در صورت بروز تعارض میان تعهدات اعضا ناشی از منشور و تعهدات آنها به موجب دیگر موافقتنامه‌های بین‌المللی، تعهدات ناشی از منشور مقدم خواهد بود.

ارسالی از سوی این اتحادیه در خصوص رسیدگی به جنایات ارتكابی توسط رییس جمهور کنیا و معاونش در مورد جنایات بین‌المللی ارتكابی پس از انتخابات ۲۰۰۷ این کشور قابل توجه است.<sup>۱</sup> در این نامه<sup>۲</sup> به صراحت عنوان شده است که اقدامات مرتبط با تحقیق و بازجویی از متهمین به صراحت مغایر با اصول و اهدافی است که بر اساس قانون اساسی این کشور بر عهده این افراد قرار گرفته است. در این نامه چالش میان ضرورت رسیدگی به امور ملی از سوی رییس جمهور و معاون وی از یک طرف، و حضور مستمر و پیوسته در جلسات استماع شعبه پیش‌مقدماتی دیوان از سوی دیگر، همچنین لزوم شرکت در جلسات عمومی ملل متحد و اتحادیه اروپا که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت آتی کنیا ایفا می‌کند، موانعی جدی برای همکاری با دیوان تلقی شده و از فحوای آن ناخرسندی اتحادیه در اعمال عدالت ذاتی از سوی دیوان تلقی شده و درخواست شده تا سران عالی‌رتبه کنیایی با انتخاب خود و با توجه به مسؤولیت‌هایی که قانون اساسی به عهده آنها نهاده در جلسات دیوان حضور به هم رسانند.<sup>۳</sup> این در حالی است که معاون دوم در نامه جوابیه ارسالی از سوی دیوان،<sup>۴</sup> با ذکر عدم صلاحیت پاسخگویی به این مورد و احاله آن به شعبه رسیدگی کننده به موضوع<sup>۵</sup> پاسخ روشنی به این مسأله نداد و این خود به تداوم موضع ناخرسندی اتحادیه آفریقا و حتی زمینه‌ساز تهدید به خروج از دیوان نیز شد.<sup>۶</sup>

با این حال، مسأله اساسی اینجاست که در صورت عملی شدن تهدید مزبور و با خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان، این امر چه تبعاتی به همراه خواهد داشت و در این صورت آیا تعهداتی بر دولت‌های اخیر بار خواهد شد یا خیر؟

1. [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Documents/pr943/130910-AU-letter-to-SHS.pdf](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Documents/pr943/130910-AU-letter-to-SHS.pdf).

۲. نامه در دهم سپتامبر ۲۰۱۳ به دیوان ارسال شده است.

3. Ibid.

۴. نامه در سیزدهم سپتامبر ۲۰۱۳ از سوی دیوان ارسال شده است.

5. [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Documents/pr943/130913-VPT-reply-to-AU.pdf](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Documents/pr943/130913-VPT-reply-to-AU.pdf).

در هر حال شعبه رسیدگی کننده در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۳ در پاسخ به درخواست کنیا اعلام کرد که تحقیقات در مورد اتهامات کنیانا، رییس جمهور کنیا همچنان ادامه دارد. درعین حال، مردم کنیا اداره حکومت را به شیوه دموکراتیک با آگاهی کامل از اتهامات وی در دیوان به او سپرده اند. بنابراین، کنیانا می‌تواند از اصل براءت در برابر دادگاه بهره ببرد. به این ترتیب، به متهم اجازه معافیت از حضور پیوسته در دادرسی به‌منظور انجام وظایفش به‌عنوان رییس جمهور کنیا را داد. شعبه رسیدگی شروط معافیت را بیان کرد، با این حال مدعی است باید در تمامی اظهارات آغازین و پایانی طرف‌ها و شرکت‌کنندگان، وقتی قربانیان نظرها و نگرانی‌هایشان را شخصاً بیان می‌کنند و در زمان صدور همه احکام پرونده حضور داشته باشد. شعبه همچنین حضور وی را در همه جلسات استماع میزان مجازات، همه مجازات‌ها، همه جلسات استماع اظهارات قربانیان، همه جلسات جبران خسارات و دیگر رسیدگی‌های شعبه در صورتی که مرتبط با وی باشد لازم دانست. نک:

<http://icc-cpi.int/icdocs/doc/doc1667182.pdf> (last visited 8/5/2014).

6. <http://www.bbc.com/news/world-africa-24173557> (last visited 12/5/2014).



در بدو امر باید توجه داشت که خروج و کناره‌گیری دولت‌های عضو از دیوان به صراحت در اساسنامه پیش‌بینی شده است. ماده ۱۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشعار می‌دارد: «۱. هر دولت عضو می‌تواند با اعلام کتبی به دبیرکل ملل متحد از [عضویت در] این اساسنامه خارج شود. خروج از اساسنامه یک سال پس از تاریخ دریافت اعلامیه خروج نافذ خواهد بود؛ مگر آنکه در اعلامیه تاریخ دیرتری مشخص شده باشد.

۲. هیچ دولتی به دلیل خروج از اساسنامه، از تعهدات ناشی از زمان عضویت در آن از جمله تعهدات مالی‌ای که به عهده داشته است؛ معاف نخواهد شد. کناره‌گیری یک دولت تأثیری بر هیچ‌یک از همکاری‌هایی که آن دولت در رابطه با تحقیقات و رسیدگی‌های جنایی مکلف به انجام آن [همکاری] با دیوان بوده و پیش از تاریخ نافذ شدن کناره‌گیری شروع شده است، نخواهد گذاشت. همچنین کناره‌گیری به هیچ‌وجه آسیبی به ادامه بررسی هر موضوعی که پیش از تاریخ نافذ شدن کناره‌گیری توسط دیوان تحت بررسی بوده است، نخواهد رساند.<sup>۱</sup> با توجه به صراحت ماده ۱۲۷ اساسنامه به نظر می‌رسد خروج دول آفریقایی نتواند تأثیری بر پرونده‌هایی بگذارد که نزد دیوان مطرح است؛ زیرا بر طبق بند ۲ این ماده، دولت‌ها نسبت به مسائلی که پیش از نافذ شدن خروج‌شان، در محضر دیوان مطرح شده همچنان متعهد خواهند بود.<sup>۲</sup>

به این ترتیب باید در نظر داشت که حتی خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان نیز به اعتبار ماهوی سند تأسیس اساسنامه این دیوان خدشه‌ای وارد نخواهد ساخت. چراکه بر اساس ماده ۵۵ کنوانسیون وین حقوق معاهدات، در زمینه کاهش تعداد کشورهای طرف یک معاهده چندجانبه به کمتر از تعداد لازم جهات لازم‌الاجرا شدن آن «جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را مقرر نماید، یک معاهده چندجانبه تنها به این دلیل که تعداد طرف‌های آن به کمتر از تعدادی که برای لازم‌الاجرا شدن آن ضرورت دارد، تقلیل یافته است، خاتمه نمی‌یابد.»<sup>۳</sup> بنابراین خروج یا تهدید به خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان فقط می‌تواند موجباتی برای تنزل شأن و وجهه دولت‌های ذی‌ربط در افکار عمومی باشد، بدون اینکه به اعتبار دیوان لطمه‌چندانی وارد نماید.

**بند چهارم - امکان و امتناع رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی در قلمرو آفریقا**  
به هر حال، فارغ از عدم همکاری یا خروج احتمالی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری

1. <http://www.bia-judiciary.ir/Default.aspx?tabid=4013> (last visited 3/6/2014).

2. See Elena Vignoli Maria, ICC on the trial before the African union, available at <http://beyondthehague.com/author/mevignoli/> (last visited 2/6/2014).

3. <http://www.oas.org/legal/english/docs/Vienna%20Convention%20Treaties.htm> (last visited 12/4/2014).

بین‌المللی به‌عنوان تبعات ناخرسندی این دولت‌ها از دیوان، به نظر می‌رسد راهکارهایی در مقابل بی‌کیفرمانی جنایتکاران بین‌المللی در این خصوص نیز قابل توجه و تأمل است. از جمله این ظرفیت‌ها می‌توان به تأسیس یک مرجع کیفری بین‌المللی در قلمرو آفریقا یا توسعه صلاحیت مراجع قضایی کیفری فعلی به‌منظور رسیدگی به جنایات بین‌المللی اشاره کرد که در ذیل به اختصار به هر یک می‌پردازیم.

### اول - تأسیس دیوان کیفری آفریقا

سیستم قضایی بین‌المللی، سیستمی واحد و در عین حال متکثر است. در اصل، توسعه گستره «نظام حقوقی حاکم بر سیستم حقوق بین‌الملل»، نیازمند توسعه شبکه‌ها و تأسیساتی برای کنترل تعهدات دولت‌ها و نظارت بر آنهاست. به‌زعم برخی همین توسعه و تکثر نهادهای قضایی و داوری بین‌المللی برای سیستم حقوق بین‌الملل مخرب قلمداد می‌شود، زیرا ممکن است به تعارض در تصمیمات و شکل‌گیری رویه‌های ناهمگون بینجامد و درنهایت زمینه تهدید حیات سیستم قضایی بین‌المللی را فراهم سازد.<sup>۱</sup> این در حالی است که به‌زعم برخی تکثر موجود در سیستم قضایی بین‌المللی، کارایی تعهدات قضایی بین‌المللی را افزایش داده و به کنترل و تفسیر بهتر تعهدات از سوی مراجع قضایی ذی‌ربط خواهد انجامید.<sup>۲</sup> با این وصف، هر چند سرانجام غایت سیستم قضایی بین‌المللی تحقق عدالت ذاتی است، لکن، گونه‌گونی و تنوع مراجع قضایی بین‌المللی که گاه می‌توانند در قالب رقابت میان مراجع، مانع از تحقق عدالت شوند، همواره از جمله مسائلی است که به‌ویژه مورد توجه قضات بین‌المللی قرار گرفته است.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد این بحث در قلمرو حقوق بین‌المللی کیفری نیز بیشتر خودنمایی می‌کند، چراکه ذات و مقتضای عدالت کیفری با وجود رقابت میان مراجع قضایی یا رویه قضایی متکثر، همخوانی ندارد. حتی فلسفه صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی نیز نباید به‌گونه‌ای رقابت میان مراجع قضایی ملی و این دیوان تلقی شود، زیرا دیوان کیفری بین‌المللی به‌منظور جایگزینی محاکم ملی طراحی نشده، بلکه تکمیل‌کننده آنهاست. اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان مقرر می‌کند که دیوان کیفری بین‌المللی موقعی که تحقیقات و تعقیب در سطح ملی انجام می‌شود؛ صلاحیت نخواهد داشت. مسأله‌ای که غالباً در آن سوی آتلانتیک به‌وسیله مخالفان دیوان مطرح می‌شود این است که حافظان صلح ممکن است به‌خاطر مأموریت‌های سخت بین‌المللی

۱. آرامش شهبازی، «تکثر سیستم قضایی بین‌المللی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۹ (۱۳۸۹)، ۱۲۱.

۲. همان.

3. Gilbert Guillaume, Advantages and Risks of Proliferation: A Blueprint for Action, 2 J Intl Crim Justice 300 (2004).

در دیوان محاکمه شوند؛ اصل تکمیلی به حافظان صلح و همه پرسنل نظامی کشورهای که دارای نظام قضایی کارآمد<sup>۱</sup> هستند اطمینان می‌دهد که توسط مقامات ملی خودشان با آنها رفتار خواهد شد.<sup>۲</sup> دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم ملی است به عبارت دیگر صلاحیت این دیوان صلاحیت تکمیلی است و بر آن اساس دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی مکمل محاکم کیفری ملی و نه جایگزین آن می‌شود.<sup>۳</sup> لذا محاکم ملی تقدم رسیدگی نسبت به دیوان خواهند داشت و در صورتی که این محاکم مایل به رسیدگی نباشند و یا اینکه نتواند به جنایات تحت صلاحیت دیوان رسیدگی کنند؛ در این صورت صلاحیت از نوع تکمیلی خواهد بود.<sup>۴</sup> به این ترتیب می‌توان گفت اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تنها باعث می‌شود که حریم اصل صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی همچنان محفوظ بماند.<sup>۵</sup>

همان گونه که قبلاً به تفصیل بیان شد، موضع ناخرسندی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی، شائبه‌هایی مبنی بر تهدید به خروج و کناره‌گیری از دیوان را مطرح نموده و تأسیس یک مرجع کیفری بین‌المللی در این قلمرو برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی در آفریقا می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای خروج این دولت‌ها از اساسنامه مطرح شود؛ لکن در هر حال، این مسأله نیز با چالش‌هایی جدی روبه‌روست. آیا منطقه‌گرایی می‌تواند ضامن قابل توجهی برای تحقق عدالت کیفری تلقی شود؟ سازمان ملل متحد متولی پرداخت هزینه‌های این مرجع خواهد بود یا خیر؟ قلمرو و حدود صلاحیت مرجع جدیدالتأسیس با دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان ملل متحد و همچنین با سایر مراجع ملی چگونه تعریف می‌شود و در نهایت اقبال دولت‌های آفریقایی به این مرجع چگونه خواهد بود؟

#### 1. Functioning.

۲. محمدجواد شریعت باقری. حقوق کیفری بین‌المللی (تهران: جنگل، ۱۳۸۴)، ۶۴-۶۵.

۳. گفتنی است که در هر حال، اصل تکمیلی بودن به معنایی که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است نه مبتنی بر تقدم «صلاحیت» محاکم ملی، بلکه مبتنی بر تقدم «رسیدگی» محاکم ملی است. به بیان دیگر صلاحیت محاکم ملی مطلقاً مقدم بر صلاحیت دیوان نیست؛ چه در این صورت لازم بود که در فرضی که محاکم ملی هنوز شروع به رسیدگی ننموده‌اند دیوان منتظر بماند تا محکمه ملی صلاحیت‌دار به رسیدگی بپردازد و یا لاقلاً دیوان به محکمه ملی صلاحیت‌دار اعلام نماید که در صورت عدم شروع به رسیدگی (در مدتی معین) دیوان موضوع را قابل پذیرش اعلام خواهد کرد. به بیان دیگر، اساسنامه چنین مقرر نموده است که دیوان در صورتی موضوعی را غیرقابل پذیرش اعلام می‌نماید که قبلاً از سوی محاکم ملی صلاحیت‌دار «در دست تحقیق یا تعقیب» بوده و یا رسیدگی به آن خاتمه یافته است. بنابراین در اجرای ماده ۱۷ اساسنامه کافی است که موضوعی در دیوان مطرح شود و تا آن هنگام دولت صلاحیت‌دار شروع به رسیدگی ننموده باشد تا دیوان موضوع را قابل پذیرش اعلام نماید.

۴. همان، ۵۰.

۵. قاسم زمانی، صلاحیت جهانی و بی‌کیفری، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری (تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۷)، ۷۵.

## دوم - توسعه صلاحیت‌ها یا ادغام مراجع قضایی آفریقایی موجود

سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۹۸ پروتکل مربوط به دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها را به تصویب رساند که در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا گردید.<sup>۱</sup> تحولات پس از تبدیل سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا مبین توجه بیشتری به مقوله حقوق بشر در این قاره شد، هر چند همزمان با ناخرسندی دولت‌های آفریقایی توجه به قلمرو و حوزه صلاحیتی این دیوان کانون توجه حقوقدانان آفریقایی و کارشناسان ذی‌ربط گردید.<sup>۲</sup>

مجمع اتحادیه آفریقایی در نشست فوق‌العاده ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ تصمیم گرفت در راستای تضمین اعمال قانون اساسی، ثبات و وحدت دولت‌های عضو، نباید علیه هیچ رییس فعلی دولت یا حکومت اتحادیه آفریقایی یا هر شخصی که در چنین سمتی فعالیت می‌کند یا دارای صلاحیت فعالیت در چنین سمتی است، اتهامی نزد هیچ دیوان یا دادگاه بین‌المللی طی دوره زمامداریش شروع شود یا تداوم پیدا کند.<sup>۳</sup> به علاوه مهم‌ترین تصمیمی که در این نشست فوق‌العاده اتخاذ شد این بود که «فرایند تعمیم صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها به محاکمه جنایات بین‌المللی، مانند ژنوسید، جنایات ضد بشریت و جنایات جنگی» تسریع شود.<sup>۴</sup> و در همین راستا، همزمان با طرح توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، مقرر شد دولت‌های آفریقایی پیشنهادشان برای اصلاح اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را بر اساس ماده ۱۲۱ اساسنامه دیوان در دستور کار قرار دهند.<sup>۵</sup> در اصل این مرجع ضامن اصلی اجرای منشور آفریقا و تعهدات مندرج در کمیسیون حقوق بشر و خلق‌ها در این قاره قلمداد می‌شود.

با این حال پیشنهاد ادغام دیوان آفریقایی حقوق بشر<sup>۶</sup> با دیوان عدالت آفریقا<sup>۷</sup> یا توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی که در اجلاس

1. Assembly/AU/Dec.213 (XII) of February 2009, see M Matua, The African Human Rights Court: A Two-Legged Stool?, Human Rights Quarterly, 21 (1999), 342; N Pityana, Reflections on the African Court on Human and Peoples' Rights, African Human Rights Law Journal, 4 (2004), 121.

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، همچنین صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر نک: محمدحسن رضانی قوام آبادی، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۳۸ (۱۳۸۷)، ۱۵۳-۱۷۲.

3. <http://summits.au.int/en/sites/default/files/Ext%20Assembly%20AU%20Dec%20&%20Decl%20E.pdf> (last visited 12/2/2014)

4. Ibid, para. 10, p. 2.

5. ibid.

۶. این مرجع در سال ۲۰۱۱ عملاً شروع به کار کرد تا به حال بیش از ۱۱ مورد در این دادگاه به ثبت رسیده است.  
۷. این مرجع در سال ۲۰۰۲ بر اساس سند اتحادیه تأسیس شد و با پروتکل این اتحادیه در سال ۲۰۰۳ تکمیل و در نهایت در سال ۲۰۱۰ به مرحله اجرایی رسید.

۲۰۰۷-۲۰۰۸ در اتحادیه آفریقا مطرح شد، با مخالفت‌های جدی روبه‌رو شد.<sup>۱</sup> در هر حال، این قضیه مجدداً با صدور قرار بازداشت عمرالبشیر از نو مطرح شده است. در اصل در طرح این موضوع،<sup>۲</sup> موضوع اساسی تعیین‌کننده بودند:

نخست - ادعای اعمال صلاحیت جهانی در قلمرو آفریقا؛

دوم - مباحثی که در خصوص محاکمه حسن هابره رییس‌جمهور سابق چاد رخ داد؛ و سوم - اعمال بند ۵ ماده ۲۵ منشور آفریقا در مورد دموکراسی، انتخابات و حکومت که اتحادیه آفریقا را موظف به تنظیم و تدوین جنایت بین‌المللی «تغییر غیراساسی حکومت» نمود. بر این اساس، کلیه دولت‌های عضو اتحادیه در اعمال صلاحیت جهانی، به‌ویژه آن‌گاه که از سوی مراجع فرودست در اروپا مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، مشارکت خواهند نمود.<sup>۳</sup> متعاقب نشست‌های فوق‌العاده آتی اتحادیه، طرحی از توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ تدوین شد که بر اساس آن صلاحیت دادگاه پیشنهادی که علاوه بر جنایات حقوق بشری به جنایات عمده بین‌المللی نیز می‌پردازد، صلاحیتی تکمیلی نسبت به صلاحیت مراجع ملی است، هر چند دارای همان صلاحیت‌ها و اختیارات می‌باشد.<sup>۴</sup>

درنهایت باید توجه داشت که استقرار یک دادگاه آفریقایی با صلاحیت کیفری بین‌المللی طرحی بلندمدت است که نخستین گام‌های لازم برای تحقق، ضرورتی است که سال‌ها پیش توسط دولت‌ها و ملت‌های آفریقایی احساس می‌شده است. رفته‌رفته این ضرورت، تا حدودی رنگ واقعیت یافته با این حال تنها در حد یک پیش‌نویس مصوب اتحادیه درآمده<sup>۵</sup> و تا به مرحله اجرا در آمدن آن فاصله زیادی هست.<sup>۶</sup> دادگاه در عمل تأسیس نمی‌شود، مگر زمانی که پروتکل اجرایی آن تنظیم و دستکم به تأیید ۱۵ دولت از دولت‌های آفریقایی برسد که این خود به روند رسیدگی به قضایایی که در حال حاضر در دیوان کیفری بین‌المللی تحت رسیدگی است، تأثیر نخواهد گذاشت.<sup>۷</sup>

۱. در سال ۲۰۰۴ نیز مباحثی در خصوص ادغام دو دادگاه و تأسیس یک مرجع جایگزین مطرح شده بود.

۲. نمونه‌ای از این دست، اعمال صلاحیت یک دادگاه فرانسوی علیه روز کابویا، کفیل ریاست جمهوری رواندا بود. این قضیه به‌طور خاص هم در بند ۴ قطعنامه مجمع عمومی اتحادیه آفریقا در دوازدهمین اجلاس این اتحادیه در فوریه ۲۰۰۹ در آدیس‌آبابا مورد توجه قرار گرفت.

۳. بند ۳ ماده ۴۶ طرح پیشنهادی.

۴. البته این طرح منتشر نشده و در اختیار عموم قرار نگرفته است. ارجاعات به طرح پیشنهادی از طریق مستندات اتحادیه یا ارجاعات مندرج در سایر مقالات انجام گرفته است. نک:

<http://www.issafrika.org/uploads/Paper235-AfricaCourt.pdf>

۵. چالش‌هایی جدی در زمینه تعریف جرایم، مصونیت‌ها، قلمرو صلاحیت‌ها، اجرای احکام و عدم شفافیت در طرح نهایی هنوز به نظر مانعی جدی در تحقق دادگاه مورد نظر نمی‌نماید.

6. See Deya Don, Pushing for the African Court to Exercise the Jurisdiction for International Crimes,



## نتیجه‌گیری

«عدالت کیفری»، محصول اراده جدی برای مقابله با جنایات بین‌المللی و همکاری همه جانبه در زمینه مجازات عاملین جنایات ارتكابی است. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و با بین‌المللی کردن رسیدگی به شنیع‌ترین جنایات، این مفهوم باز تعریف شد و تشکیل محکمه کیفری نورنبرگ، بارقه‌هایی از امید در ارتقای جایگاه عدالت کیفری از صحنه ملی به قلمرو بین‌المللی را در اذهان مشتاقان عدالت کیفری در صحنه بین‌المللی روشن ساخت. با این حال، عملاً دهه ۹۰ میلادی درخشان‌ترین و بارزترین دوران تجلی اراده حاکمیت جهانی برای تحقق مفهوم عدالت کیفری در صحنه جهانی است. تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون، دیوان کیفری بین‌المللی و امثالهم نمونه‌هایی از خواست و اراده جدی جامعه بین‌المللی برای تعقیب و مجازات عمده‌ترین جنایات بین‌المللی است. اگرچه این روند، در سایه سار انسانی تر شدن حقوق بین‌الملل و رشد و تعالی ارزش‌های بین‌المللی همواره سیر صعودی در پیش داشته، لکن همواره با چالش‌هایی جدی نیز روبه‌رو بوده است. تا جایی که امروزه حتی برخی موافقان و هواداران تأسیس عالی‌ترین مرجع کیفری بین‌المللی، بیرق مخالفت برافراشته‌اند و اتخاذ مواضع امپریالیستی دیوان را مانع تحقق عدالت کیفری می‌دانند. زمره‌های اخیر دولت‌های آفریقایی در خصوص عدم همکاری، تهدید به خروج یا کناره‌گیری از دیوان کیفری بین‌المللی در حالی مطرح می‌شود که این دولت‌ها از حامیان اولیه تأسیس دیوان بوده‌اند. این دولت‌ها هم به صورت انفرادی و هم در قالب اتحادیه آفریقا مکرراً با ادعای نادیده گرفتن مصونیت سران عالی‌رتبه حکومتی، رسیدگی‌های تبعیض‌آمیز و تعارض میان تحقق عدالت کیفری با صلح و امنیت در قلمرو آفریقا، مخالفت‌های خود را با دیوان اعلام نموده و متعاقباً طرح‌هایی در خصوص توسعه صلاحیت مراجع قضایی موجود از جمله دیوان حقوق بشر و خلق‌های آفریقا یا حتی تأسیس یک مرجع کیفری مستقل مطرح نموده‌اند. با این حال، هنوز همه این طرح‌ها، صرفاً در قالب پیش‌نویس باقی مانده‌اند، چراکه مسائلی جدی در خصوص تداخل صلاحیت مراجع ملی و بین‌المللی، نحوه تعامل مرجع رسیدگی‌کننده با دیوان کیفری بین‌المللی و حتی سازمان ملل متحد، حدود و شمول جرایم ارتكابی و نحوه اجرای احکام صادره در حاله‌ای از ابهام است. از سوی دیگر، حتی در صورت خروج دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی، با توجه به مفاد اساسنامه و عطف بماسبق

نشدن صلاحیت مراجع رسیدگی کننده جدید، خللی به صلاحیت دیوان در رسیدگی به قضایای تحت بررسی وارد نمی‌شود و این خود موجب شده تا تحقق عدالت کیفری در قاره سیاه با بیم و امید همراه شود. با این وصف، به نظر می‌رسد تنها زمان، قاضی منصفی برای قضاوت میان بیم‌ها و امیدهای جامعه بین‌المللی و آفریقاست و تنها عدالت کیفری، نوشداری آرامش‌بخش بر استعمار، استثمار، فقر، آشوب و جنگ‌های مستمر داخلی در این منطقه است.<sup>۱</sup> رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی به جنایات ارتكابی در قاره آفریقا، ناشی از هر واقعتی باشد، مسلم است که از عدم بی‌طرفی و فقد استقلال قضایی دیوان منبعث نمی‌گردد و اتهام سیاسی‌کاری دیوان بیشتر جنجالی تبلیغاتی برای تحت‌الشعاع قرار دادن جنایات فجیع ارتكابی و به تعبیری واقعت‌های جنایی قاره سیاه است. «بی‌شک اجرای عدالت کیفری بین‌المللی توأم با ترس و هراس خواهد بود، لیکن باید برای اجتناب از تکرار تجارب تلخ گذشته، بر این ترس‌ها و دل‌نگرانی‌ها فایق آمد.»<sup>۲</sup>

گو اینکه شورای امنیت نسبت به عدم همکاری دولت‌های آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی جهت بازداشت و تحویل متهمان تحت تعقیب واکنش چندانی از خویش نشان نداده است، اما بی‌توجهی به خواسته‌های بی‌پایه و اساس برخی دولت‌های آفریقایی و تداوم رسیدگی دیوان به پرونده‌های مطروحه، احتراز شورای امنیت در استفاده از حق تعویق رسیدگی و مقاومت افکار عمومی بین‌المللی در مقابل خواسته نامشروع و غیرقانونی شماری از دولت‌های آفریقایی، امید به آینده‌ای روشن‌تر برای عدالت کیفری بین‌المللی در قاره سیاه را مضاعف ساخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

۱. در سال‌های اولیه فعالیت شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و مواضع این شورا علیه اسرائیل، ایرادهای مشابه آنچه طرح گردید که علیه دیوان کیفری بین‌المللی در مورد قاره آفریقا مطرح شده است. مصوبات متعدد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد علیه رژیم اسرائیل در اجلاس‌های عادی و فوق‌العاده سال‌های اولیه تأسیس شورا قابل توجه بود. گو اینکه «بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل متحد در اواخر سال ۲۰۰۶ با ابراز نگرانی از این امر که شورای حقوق بشر به‌طور ویژه بر مخاصمه اعراب و اسرائیل تمرکز یافته است به شورا هشدار داد که این امر نباید باعث غفلت از دیگر وقایع بین‌المللی شود، ولی واقعت مسلم آن است که در میان دولت‌های ناقض حقوق بشر اسرائیل در رأس قرار گرفته است و مقابله با اقدامات غیرانسانی اسرائیل توانست اعتبار بین‌المللی شورای حقوق بشر را اعتلا بخشد و دولت‌های دیگر را نسبت به عواقب اقدامات ضد حقوق بشری خود بیمناک سازد. در مورد قاره سیاه نیز قابل پیش‌بینی می‌نمود که طرح پرونده‌های مختلف از این قاره در دیوان کیفری بین‌المللی اعتراض دولت‌های آفریقایی (نه ملت‌های آفریقایی) را برخواهد انگیخت.

۲. بیگزاده، پیشین.

### منابع فارسی

۱. پورخاقان، زینب. «بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۱۷(۱۳۸۹): ۴۲-۵۲۷.
۲. تقی‌زاده، زکیه و فاطمه هداوندی. «مقابله با بحران سربازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه: نخستین رأی دیوان کیفری بین‌المللی در ترازوی حقوق بین‌الملل». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۲(۱۳۹۱): ۱۸۷-۲۲۴.
۳. دلخوش، علیرضا. مقابله با جرایم بین‌المللی: تعهد دولت‌ها به همکاری. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۰.
۴. رضانی قوام آبادی، محمدحسن. «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی». تهران: فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۳۸(۱۳۸۷): ۱۵۳-۱۷۲.
۵. زمانی، سیدقاسم و هاله حسینی‌اکبرنژاد. «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی». مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۷(۱۳۸۸)، ۱۱۵-۱۵۸.
۶. زمانی، سیدقاسم. صلاحیت جهانی و بی‌کیفری، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری. تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۷.
۷. زمانی، سیدقاسم. «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمرالبشیر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش ۱۴(۱۳۸۷)، ۱۳-۴۷.
- شریعت باقری. محمدجواد. حقوق کیفری بین‌المللی، تهران: جنگل، ۱۳۸۴، ۶۴-۶۵.
۸. شهبازی، آرامش. «تکثر سیستم قضایی بین‌المللی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۹(۱۳۸۹)، ۱۲۱.
۹. طالشی صالحانی، حسین. «قاره آفریقا: از سازمان وحدت آفریقا تا اتحادیه آفریقا، مطالعات آفریقا» شماره ۴(۱۳۸۰): ۱۱۹-۱۴۸.
۱۰. کیتی شیایزری، کریانگ. حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت، ۱۳۸۳، ۵۱۲.
۱۱. ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه. نقش دادگاه ویژه سیرالئون در مبارزه با بی‌کیفری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹.

### منابع انگلیسی

1. Khiphusizi, Josiah Jele, 'The Permanent Mission of South Africa to the United Nations' (Speech delivered at the Sixth Committee of the 52nd General Assembly, New York, 21 October 1997).

2. Turner C. f. Catherine, “Delivering Lasting Peace, Democracy and Human Rights in Times of Transition: The Role of International Law”, *International Journal of Transnational Justice*, July 2008, no. 2, pp. 126-151.
3. William, Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, 3rd ed, Cambridge: Cambridge University Press, 2007, xi.



## Threat to non-cooperation with the ICC and Vague Future of Criminal Justice in the Africa

**S. Ghassem Zamani**

(Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh-Tabatabaee)

### **Abstract**

In July 2002, the Rome Statute of the International Criminal Court came into force and International Criminal Court was established. It was indeed a significant moment in international criminal justice. ICC is a permanent institution and shall have the power to exercise its jurisdiction over persons for the most serious crimes of international concern," which include "genocide; crimes against humanity; war crimes; and the crime of aggression. The African region played a great and active role in the founding of the Court. However, the fact that all accused persons presently before the Court are Africans has raised speculation that the ICC is targeting only Africans. This perception was further exacerbated with the indictment of President Omar Al Bashir of Sudan. Consequently, the African Union has resolved to cease cooperation with the Court with regard to the arrest of Al Bashir. Therefore African countries have come to be critical of the ICC and relations between Africa and the court are currently severely strained. In fact, the African Union has asked its members to implement a policy of non-compliance and non-cooperation with the ICC. For the court to remain a credible institution for the execution of international justice, the recent challenges may be a great danger and should be taken seriously.

### **Keywords:**

International Criminal Court, Criminal Justice, African Union, ICTY, ICTR, Cooperation

# Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. I, No. 2

2013-2

- **The contexts of penal instrumentalism**

Mohammad jafar Habibzadeh - Hamed Rahmanian

- **Execution and recognition of foreign criminal judgments in Iran**

Ali Khaleghi - Maedeh Mir Shams Shahshahani

- **Threat to non-cooperation with the ICC and Vague Future of Criminal Justice in the Africa**

S. Ghassem Zamani

- **Criminal Liability of Governmental Legal Persons in Iran Legal system**

Ghassem Mohammadi - Alireza Khanizadeh

- **Penal and civil effects of intervention in bankrupt trader assets**

Hossein Simaei Sarraf - Mohammad khalil Salehi.

- **The effect of custom on mental element of crime and factors of criminal responsibility deterioration**

Mohsen Borhani - Atieh Parsaeian



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law  
Research & Study